



نقش حل و فصل اختلافات اداری در تحکیم ثبات سیاسی در ایران و عراق

علی حامد عبید الحلاوی^۱، مسعود راعی دهقی^۲، علیرضا انصاری مهیاری^۳

۳۳

چکیده

نقش حل و فصل اختلافات اداری در تحکیم ثبات سیاسی بسیار مهم و کلیدی است. اختلافات اداری معمولاً ناشی از برخورد منافع، تفسیر متفاوت قوانین و یا ناکارآمدی‌های ساختاری در دستگاه‌های دولتی هستند که در صورت عدم رسیدگی درست می‌توانند به نارضایتی عمومی، کاهش اعتماد مردم به نظام سیاسی و نهایتاً بی‌ثباتی سیاسی منجر شوند. نگارنده با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به این نتیجه رسیده است که ثبات سیاسی در جوامع ایران و عراق زمانی حاصل می‌شود که دستگاه‌های دولتی این کشورها بتوانند پاسخگوی نیازهای مادی، فرهنگی و سیاسی جامعه باشند و با حل اختلافات اداری، فضای گفتگو و تعاملی مبتنی بر اعتماد و تفاهم ایجاد نمایند. این فرآیند از بروز بی‌ثباتی جلوگیری می‌کند و به جای ایجاد ثبات توأم با اجبار، ثبات مبتنی بر رضایت و مشارکت مردم را تقویت می‌کند. بنابراین، نقش سازوکارهای قانونی و نهادی در حل و فصل اختلافات اداری در حقوق کشورهای ایران و عراق یکی از مهم‌ترین عوامل حفظ و تحکیم ثبات سیاسی به شمار می‌آید.

کلیدواژه‌ها: اصلاحات اقتصادی، نئولیبرالیسم، ایالات متحده، عراق، مدل اقتصادسنجی، رشد اقتصادی، بیکاری.

دوره ۹، شماره ۲، پیاپی ۳۳
تابستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۴/۰۹

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۶/۲۸

صص: ۳۲۹-۳۵۸

شابا چاپی: ۲۵۸۸-۴۵۶۵

الکترونیکی: ۲۷۱۷-۰۳۸۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق عمومی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

۲. استاد، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسئول) masoud.raei@iau.ir

۳. استادیار گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

مقدمه

نقش حل اختلافات اداری در تحکیم ثبات سیاسی کشورها، یکی از مسائل حیاتی در حوزه روابط بین‌الملل و امنیت منطقه‌ای محسوب می‌شود. اختلافات اداری ممکن است از اختلاف در سیستم‌های مدیریتی، تضاد منافع اقتصادی، مسائل مرزی، مسائل اقلیت‌ها و تبادل اطلاعات ناشی شود که اگر به شیوه‌ای سازنده و قانونی مدیریت نشود، می‌تواند زمینه ساز تنش‌ها و ناآرامی‌های سیاسی شود. در این میان، فرآیندهای حل اختلافات اداری از طریق گفتگو، مذاکره و استفاده از ابزارهای حقوقی و دیپلماتیک نقش مهمی در ایجاد اعتماد متقابل و تقویت و ثبات سیاسی ایفا می‌کند. در سطح بین‌المللی، ثبات سیاسی کشورها به مدیریت صحیح اختلافات بستگی دارد که از بروز بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جلوگیری می‌کند. بنابراین، بررسی نقش حل اختلافات اداری در تقویت ثبات سیاسی می‌تواند به درک بهتر سازوکارهای مؤثر در روابط کشورها منجر شود. همچنین، این موضوع اهمیت رعایت اصول حقوقی، احترام متقابل و تعامل سازنده در مدیریت سیاسی و اداری را برجسته می‌کند و نشان می‌دهد که راه‌حل‌های دیپلماتیک و اداری کلید حفظ صلح و توسعه پایدار در منطقه هستند. هدف اصلی این پژوهش بررسی نقش حل و فصل اختلافات اداری در تحکیم و ثبات سیاسی می‌باشد و سوال اصلی که در این زمینه مطرح می‌شود، این می‌باشد که چگونه فرآیندهای حل و فصل اختلافات اداری می‌توانند به تقویت و ثبات نهادهای دولتی و افزایش ثبات سیاسی کمک کنند؟ فرضیه قابل طرح در این زمینه، این می‌باشد که حل و فصل منطقی و مسالمت‌آمیز اختلافات اداری، با افزایش اعتماد متقابل و تقویت همکاری‌ها، منجر به تقویت قدرت حکومت و بهبود ثبات سیاسی در کشورها می‌شود.

۱- مفاهیم

در ابتدای مطالب، مباحث مهم مرتبط با موضوع پژوهش تشریح و تبیین می‌گردند تا با ایجاد درک مشترک و مشخص کردن دامنه موضوع تحقیق است تا زمینهای روشن برای تحلیل و بحثهای بعدی فراهم شود و پیوند مفاهیم با موضوع نقش حل و فصل اختلافات اداری در تحکیم و ثبات سیاسی میان ایران و عراق به خوبی مورد توجه قرار گیرد.

۱-۱- مفهوم ثبات سیاسی

ثبات سیاسی مفهومی پیچیده و چندبعدی در علوم سیاسی است که به وجود وضعیتی منظم، قابل پیش‌بینی و پایدار در یک نظام سیاسی اشاره دارد (خزایی و پروین، ۱۴۰۱، ۵). این مفهوم نشان‌دهنده تعادل بین خواسته‌ها و انتظارات مردم و کارکردهای حکومت و نهادهای سیاسی است که منجر به حفظ و دوام حکومت می‌شود. یکی از تعاریف مهم ثبات سیاسی، بر اساس تعریف آکه (۱۹۷۴)، منظم بودن جریان تعاملات سیاسی است که نشان‌دهنده عدم هرج و مرج و بی‌نظمی در عملکرد نظام است (موتقی و کرم‌زاده، ۱۳۹۰، ۳۲۵). به عبارت دیگر، ثبات به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن حداقل تغییرات منفی و بی‌ثباتی در ساختار قدرت و سیاست رخ دهد. دیوید ساندرز نیز بر نسبی و پیوسته بودن ثبات و بی‌ثباتی سیاسی تأکید دارد و معتقد است که نوسانات سیاسی در طول زمان و انواع مختلف بی‌ثباتی‌ها باید مورد توجه قرار گیرد.

ثبات سیاسی به معنای سکون و رکود مطلق نیست، بلکه نشان‌دهنده پویایی یک نظام است که با رویدادها و تغییرات سازگار است، اما کارکرد اصلی خود را حفظ می‌کند. این مفهوم تضمین‌کننده امنیت، پیشرفت و توسعه اجتماعی و اقتصادی است و از فروپاشی نظام‌های سیاسی جلوگیری می‌کند (گرچی، ۱۳۸۹، ۳۵۳). عوامل متعددی در ایجاد ثبات سیاسی نقش دارند، از جمله ثبات نظام سیاسی، اثربخشی فعالیت‌های نهادهای حکومتی، مشارکت مردمی، پاسخگویی به نیازهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه و وجود قانون و نظم در جامعه. بی‌ثباتی سیاسی معمولاً به دلیل بی‌ثباتی و وضعیت قدرت، فقدان سازوکارهای مؤثر برای حل منازعات، نارضایتی عمومی و ظهور خشونت سیاسی رخ می‌دهد (وحیدبینش، ۱۴۰۳، ۶). برخی از رویکردهای مربوط به ثبات سیاسی عبارتند از: رویکرد تداوم نظام سیاسی (ادامه نوع خاصی از نظام حکومتی)، رویکرد مشاهده‌ای (بررسی میزان بی‌ثباتی با مشاهده رویدادهای آشفته)، رویکرد کوتاه‌مدت (تمرکز بر تغییرات و عدم قطعیت کوتاه‌مدت)، رویکرد سیستماتیک (عملکرد صحیح نهادهای اصلی در نظام سیاسی و اجتماعی)، رویکرد اطاعت (میزان حمایت عمومی از نظام) و رویکرد ارزشی (سازگاری باورها و اهداف جامعه با ساختار سیاسی).

ثبات سیاسی پیش‌نیاز بقا و توسعه هر نظام سیاسی است و فقدان آن می‌تواند منجر به ناآرامی‌ها، بحران‌ها و حتی فروپاشی نظام‌های سیاسی شود. ترکیب عوامل اقتصادی، فرهنگی و

سیاسی، همراه با رضایت مردمی، ثبات را نیز تقویت می‌کند (خواجه‌سروی، ۱۳۸۸، ۱۰). در نهایت، ثبات سیاسی فرآیندی پویا است که مستلزم تعادل بین تغییر و حفظ هنجارها و ساختارهای اساسی است؛ یک نظام سیاسی پایدار، نظامی است که در پاسخگویی مداوم به خواسته‌های جامعه موفق باشد و بتواند از طریق اقناع، نظارت و در صورت لزوم، اجبار، چارچوب‌هایی را برای اداره جامعه ایجاد کند که صلح، امنیت و پیشرفت را به ارمغان بیاورد.

۱-۲- مفهوم اختلافات اداری

اختلافات اداری به هر نوع اختلاف، اختلاف نظر یا منازعه‌ای گفته می‌شود که بین دولت یا سازمان‌های اداری و افراد یا سازمان‌ها در اجرای قوانین، مقررات، قراردادهای و وظایف اداری ایجاد می‌شود (رحمت‌الهی، ۱۳۸۸، ۵). این اختلافات معمولاً در حوزه حقوق عمومی و رابطه بین مردم و دولت رخ می‌دهد و می‌تواند ناشی از تفسیرهای مختلف از قوانین، نقض مقررات، اشتباهات اداری یا سوءتفاهم باشد (فلاح‌زاده و علیدادزاده، ۱۳۹۸، ۶۴۱). در بسیاری از کشورها، اختلافات اداری شامل شکایات مربوط به تصمیمات و اقدامات سازمان‌های دولتی، قراردادهای اداری، مأموریت‌های کارمندان و سایر موارد مربوط به سازمان‌های دولتی است (مبارکی و دیگران، ۱۳۹۸، ۴۳). مهمترین ویژگی اختلافات اداری این است که موضوع آنها مربوط به مسائل عمومی و قوانین حاکم بر سازمان‌های دولتی است و حل و فصل این اختلافات معمولاً توسط سازمان‌ها یا مراجع قضایی و اداری خاص انجام می‌شود.

حل و فصل این اختلافات از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا از حقوق شهروندان در برابر سوءاستفاده‌های احتمالی اداری محافظت می‌کند و همچنین از بروز ناامنی و بحران‌های اجتماعی جلوگیری می‌کند. علاوه بر روش‌های قضایی، روش‌های غیرقضایی مانند میانجیگری، داوری و سازش نیز به عنوان راهکارهای مؤثر برای کاهش بار سیستم قضایی و تسریع در حل اختلافات استفاده می‌شود. اختلافات اداری را می‌توان یکی از شاخص‌های مهم در ارزیابی کارایی نظام اداری دانست، زیرا نحوه رسیدگی به آنها بر ثبات سیاسی یک کشور تأثیر می‌گذارد (حسینی احمدوندی، ۱۴۰۱، ۲۵). به طور کلی، اختلافات اداری به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از فرآیندهای مدیریت عمومی و روابط حقوقی دولت با مردم شناخته می‌شوند و بررسی و حل و فصل آنها نقش اساسی در توسعه و تقویت نظام‌های اداری و سیاسی دارد.

۱-۳- رابطه حکمرانی و ثبات سیاسی

حکمرانی و ثبات سیاسی دو مفهوم به هم پیوسته در علوم سیاسی و حکومتداری هستند که ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند. حکمرانی به فرآیندهای تصمیم‌گیری و اجرایی اشاره دارد که در آن قدرت به شیوه‌ای شایسته، پاسخگو و مؤثر مدیریت می‌شود. حکمرانی خوب با ویژگی‌هایی مانند شفافیت، مشارکت عمومی، پاسخگویی، حاکمیت قانون و کارایی مشخص می‌شود (عبدعبد، ۱۴۰۱، ۳۶). ثبات سیاسی به وجود تعادل و شرایطی اشاره دارد که در آن یک نظام سیاسی قادر به ادامه فعالیت‌های خود بدون ناآرامی، بحران یا فروپاشی است. تحقیقات نشان داده است که حکمرانی خوب یکی از عوامل اصلی ایجاد و حفظ ثبات سیاسی است، زیرا با تضمین حقوق مردم، حل شکایات و افزایش اعتماد عمومی به نهادهای دولتی، زمینه را برای پایداری نظام فراهم می‌کند.

از سوی دیگر، ثبات سیاسی خود به عملکرد بهتر حکمرانی خوب کمک می‌کند، زیرا در یک محیط امن و پایدار، دولت و نهادها می‌توانند بهتر برنامه‌ریزی و اجرا کنند (احمدی و معیدفر، ۱۳۹۴، ۱۰). مطالعات علمی نشان داده است که کشورهایی که حکمرانی کارآمد دارند و عاری از فساد هستند، معمولاً از ثبات سیاسی بالاتری برخوردارند. مطالعات انجام شده بر روی نمونه‌های مختلف نشان می‌دهد که حکمرانی خوب نقش کلیدی در افزایش ثبات سیاسی از طریق حاکمیت قانون، مبارزه با فساد، افزایش مشارکت سیاسی و پاسخگویی به مطالبات مردم دارد (جهانگیری، ۱۴۰۲، ۱). به عبارت دیگر، موفقیت در حکمرانی، تنش‌های اجتماعی و سیاسی را کاهش داده و ثبات سیاسی را تقویت می‌کند. در نتیجه، حکمرانی خوب و ثبات سیاسی دو مقوله مکمل هستند که به یکدیگر وابسته و مفیدند و در کنار هم زمینه توسعه پایدار، رفاه عمومی و امنیت سیاسی را فراهم می‌کنند.

۲- تأثیر حل اختلافات اداری در تحکیم ثبات سیاسی

حل اختلافات اداری نقش مهمی در افزایش ثبات سیاسی بین ایران و عراق ایفا می‌کند، زیرا این فرآیند به کاهش تنش‌ها و ایجاد فضایی از اعتماد و همکاری متقابل کمک می‌کند. به ویژه در کشورهایی مانند ایران و عراق که سابقه تعاملات پیچیده و اختلافات طولانی دارند، مدیریت مؤثر

اختلافات اداری می‌تواند از بحران‌های سیاسی جلوگیری کرده و مشارکت فعال‌تر نهادهای دولتی را تشویق کند (جواد جواد، ۱۴۰۲، ۱۲). تجربه عراق پس از سقوط رژیم بعث و تلاش‌های مستمر برای ایجاد کمیسیون‌های مشترک برای حل اختلافات نشان می‌دهد که گفتگو و مشورت سازنده نقش کلیدی در اصلاح ساختارهای سیاسی آن کشور و مدیریت منازعات قومی و مذهبی داشته است.

۲-۱- کاهش تنش‌ها و تعارض‌های داخلی

کاهش تنش‌ها و درگیری‌های داخلی یکی از تأثیرات مهم حل اختلافات اداری در افزایش ثبات سیاسی در ایران و عراق است. اختلافات داخلی و درگیری‌های سیاسی، قومی و مذهبی در این دو کشور سابقه طولانی در ایجاد اختلال در نظم سیاسی، کاهش اعتماد عمومی و ایجاد بی‌ثباتی دارند. حل اختلافات اداری به ساختارهای دولتی این امکان را می‌دهد که از طریق مدیریت منظم و قانونی، مسائل را به صورت مسالمت‌آمیز و هدفمند حل و فصل کنند و از بروز هرگونه تنش و درگیری سیستماتیک جلوگیری کنند (قاسم‌الدلام، ۱۴۰۰، ۳۶). در عراق، پس از سال‌ها بحران و ناآرامی، تلاش‌ها برای ایجاد کمیسیون‌ها و نهادهای مشترک حل اختلافات به کاهش اختلافات داخلی و تقویت انسجام سیاسی کمک کرده است. در ایران نیز روابط متقابل با عراق و مذاکره برای حل اختلافات، به ویژه در مناطق مرزی و اقتصادی، تنش‌ها را کاهش داده و راه را برای همکاری بیشتر باز کرده است (محسنی و دیگران، ۱۴۰۱، ۲۶۳).

کاهش تنش‌های داخلی در هر دو کشور، با کاهش مداخلات گروه‌های سیاسی و نظامی غیررسمی و تمرکز بر نهادهای قانونی دولتی، به ثبات سیاسی کمک می‌کند. این روند همچنین قدرت و ثبات دولت‌ها را در نزد عموم و نهادهای بین‌المللی افزایش می‌دهد که منجر به افزایش امنیت و پیشرفت در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی می‌شود. به طور کلی، حل اختلافات اداری، فضای همکاری و گفتگو بین احزاب و گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی را ایجاد می‌کند و منازعات و تنش‌های داخلی را به فرآیندهای مسالمت‌آمیز و قانونی تبدیل می‌کند (فلاحی و دیگران، ۱۴۰۳، ۱۰۵). این امر در نهایت به تقویت حاکمیت قانون، حفظ وحدت ملی و ثبات سیاسی در ایران و عراق کمک می‌کند و از مداخله نیروهای خارجی و پیچیده‌تر شدن بحران‌ها

جلوگیری می‌کند. بر این اساس، کاهش تنش‌ها و درگیری‌های داخلی از طریق حل اختلافات اداری، عنصر اساسی افزایش ثبات سیاسی در دو کشور است.

۲-۲- تقویت نهاد حکومت و اعتماد به دولت

تقویت نهاد دولت و افزایش اعتماد به دولت از مهمترین تأثیرات حل اختلافات اداری در افزایش ثبات سیاسی در ایران و عراق است. هنگامی که اختلافات اداری در ساختارهای دولتی از طریق فرآیندهای قانونی، شفاف و مسالمت‌آمیز حل و فصل می‌شوند، این امر کارایی و اعتبار نهادهای دولتی را افزایش داده و اعتماد عمومی به دولت را ایجاد می‌کند (البنان، ۲۰۱۴، ۶۳). در ایران، تلاش برای پاسخگو نگه داشتن نهادها، وجود ساختارهای نهادی قوی و پایبندی به قانون، قدرت و ثبات دولت را افزایش داده و در نتیجه ثبات سیاسی قابل توجهی را به همراه داشته است (چمنی شورایی، ۱۳۹۸، ۲۵). در عراق که ساختار سیاسی پیچیده و چند قومیتی دارد، مدیریت اختلافات اداری نقش کلیدی در کاهش تنش‌های سیاسی و هماهنگی بین گروه‌های مختلف ایفا می‌کند. ایجاد نهادهای همکاری و کمیسیون‌های مشترک برای حل اختلافات توانسته است اعتماد بازیگران سیاسی را جلب کرده و تشکیل دولت‌های کارآمدتر را ممکن سازد. این نهادها با حل مشکلات به شیوه‌ای قانونی، از خشونت سیاسی جلوگیری کرده و انسجام سیاسی را بهبود بخشیده‌اند. مطالعات نشان می‌دهد که حل اختلافات اداری به تثبیت دولت، افزایش ثبات و قدرت آن در نظر مردم و افزایش سرمایه اجتماعی کمک می‌کند (لیلو، ۲۰۱۵، ۳۶). افزایش اعتماد مردم و گروه‌های مختلف سیاسی به نهاد حکومت، منجر به مشارکت بیشتر در فرآیندهای سیاسی، کاهش فساد و بهبود کارایی حکمرانی شده و پایه‌های ثبات سیاسی پایدار را بنا می‌نهد. در نتیجه، حل اختلافات اداری نه تنها به عنوان وسیله‌ای برای تنظیم روابط داخلی، بلکه به عنوان عاملی کلیدی در تحکیم ثبات و پیشرفت سیاسی در ایران و عراق تلقی می‌شود.

۲-۳- پیشگیری از فروپاشی ساختاری

حکمرانی اداری، به عنوان یک مفهوم کلیدی در مدیریت عمومی و سیاست‌گذاری، به فرآیندها، ساختارها و شیوه‌های مدیریتی اشاره دارد. از منظر حکمرانی اداری، مقابله با فساد اداری و مصادیق آن، از جمله تخلفات اداری، تنها معطوف به برخورد‌های بعدی و اعمال مجازات‌ها یا تنبیهات اداری انضباطی نیست. اتخاذ تدابیر پیشگیرانه علیه بی‌نظمی‌های اداری،

جنبه مهمی از حکمرانی اداری مؤثر است (تماره محمدعباس و دیگران، ۱۴۰۴، ۱۳۳). جلوگیری از فروپاشی ساختاری یکی از تأثیرات کلیدی حل اختلافات اداری در افزایش ثبات سیاسی در ایران و عراق است. هر دو کشور با چالش‌های تاریخی، قومی، مذهبی و سیاسی متعددی روبرو بوده‌اند که خطر فروپاشی و تضعیف ساختارهای حکومتی را به همراه داشته است. حل اختلافات اداری به عنوان ابزاری کارآمد، از طریق مدیریت سیستماتیک و هماهنگ مسائل و منازعات داخلی، انسجام و یکپارچگی نهادهای حکومتی را تقویت کرده و از فروپاشی ساختاری جلوگیری می‌کند (متی و هادیان، ۱۳۹۸، ۱۴۱). در عراق، پس از سقوط دولت بعث و یک دوره چند ساله بحران‌های سیاسی و قومی، ایجاد نهادها و فرآیندهای مشترک حل اختلافات اداری نقش مهمی در حفظ تمامیت ارضی و جلوگیری از تجزیه کشور داشته است. ایران که نگرانی‌هایی نیز در مورد استقلال اقلیم کردستان و ایجاد ناسیونالیسم کردی در مناطق مرزی داشته است، با ارائه حمایت سیاسی و دیپلماتیک از دولت مرکزی عراق، سعی در جلوگیری از هرگونه فروپاشی ساختاری داشته است (الیبائی، ۱۴۰۱، ۳۸). این اقدامات باعث افزایش ثبات سیاسی و کاهش دخالت خارجی شده است.

تحقیقات نشان می‌دهد دولت‌هایی که به حل اختلافات اداری به شیوه‌ای اصولی و قانونی توجه می‌کنند، قادر به حفظ وحدت ملی و افزایش بهره‌وری نهادهای حکومتی خود هستند. چنین سیاست‌هایی نه تنها بحران‌های داخلی را کاهش می‌دهد، بلکه امکان تشکیل یک دولت قوی، انعطاف‌پذیر و پاسخگو را فراهم می‌کند که می‌تواند در برابر فشارهای داخلی و خارجی مقاومت کند (أحمد، ۲۰۱۶، ۲۴). در نهایت، حل اختلافات اداری به عنوان پیشگیری از فروپاشی ساختاری، یک راه حل استراتژیک برای حفظ ثبات و توسعه سیاسی در ایران و عراق است و منجر به تثبیت نهادهای دولتی و تقویت امنیت و رفاه اجتماعی در دو کشور می‌شود (فاضل‌فاضل، ۱۴۰۲، ۴۵). جلوگیری از فروپاشی ساختاری یکی از تأثیرات مهم حل اختلافات اداری در افزایش ثبات سیاسی در ایران و عراق است. هر دو کشور با چالش‌های متعددی مانند تنش‌های قومی، مذهبی و سیاسی مواجه بوده‌اند که می‌تواند منجر به تضعیف نهادهای دولتی و افزایش خطر فروپاشی ساختاری شود.

در چنین شرایطی، حل اختلافات اداری با مدیریت سیستماتیک و قانونی مسائل داخلی، از بروز بحران‌های عمیق‌تر جلوگیری کرده و انسجام و یکپارچگی نهادهای دولتی را حفظ می‌کند. در عراق، پس از سقوط رژیم بعث و تحولات پیچیده سیاسی، ایجاد سازوکارهای حل اختلافات اداری به تثبیت ساختار دولت مرکزی و جلوگیری از تجزیه کشور کمک کرده است (سلمان، ۲۰۱۵، ۲۶). ایران نیز با حمایت از ثبات عراق و جلوگیری از تشکیل قدرت‌های خودمختار تهدیدکننده، نقش مهمی در جلوگیری از فروپاشی ساختاری منطقه ایفا کرده است. مطالعات نشان می‌دهد دولت‌هایی که اختلافات اداری را به صورت مسالمت‌آمیز و قانونی حل می‌کنند، قادر به حفظ وحدت ملی، افزایش کارایی حکومت و مقاومت در برابر فشارهای داخلی و خارجی هستند. این امر با تقویت نهادهای دولتی، حفظ تمامیت ارضی و ارتقای امنیت و رفاه اجتماعی محقق می‌شود که زمینه را برای توسعه سیاسی و اقتصادی فراهم می‌کند. به این ترتیب، حل اختلافات اداری به عنوان ابزاری کلیدی برای تضمین پایداری ساختاری و ثبات سیاسی در ایران و عراق نقش مهمی ایفا می‌کند.

۲-۴- ایجاد فضای همکاری و همبستگی

حل اختلافات اداری نقش مهمی در ایجاد فضای همکاری و همبستگی در ایران و عراق دارد که به طور مستقیم بر افزایش ثبات سیاسی تأثیر می‌گذارد. در شرایطی که دو کشور با چالش‌های امنیتی، فرهنگی و سیاسی متعددی روبرو هستند، حل اختلافات اداری از طریق گفتگوی سازنده، مذاکرات حقوقی و همکاری نهادی، زمینه را برای تعامل مثبت بین گروه‌های سیاسی، اجتماعی و دولت‌ها فراهم می‌کند. پس از سال‌ها درگیری و بحران سیاسی، ایران و عراق به تدریج از سازوکارهای حل اختلاف برای تقویت همکاری‌های دوجانبه و ایجاد اعتماد پایدار در روابط خود استفاده می‌کنند (مرادی و سهرابیان، ۱۴۰۱، ۱۲). ایجاد فضای همکاری و همبستگی، شکاف بین گروه‌های قومی و مذهبی مختلف در هر دو کشور را کاهش می‌دهد و منجر به ادغام بهتر سیاسی و اجتماعی می‌شود.

همکاری اقتصادی، امنیتی و فرهنگی بین ایران و عراق نمونه‌ای از این فرآیند است که نه تنها تنش‌ها را کاهش می‌دهد، بلکه فرصتی برای توسعه مشترک نیز فراهم می‌کند. این همکاری، مقاومت در برابر تهدیدات خارجی را افزایش داده و ادغام داخلی را تقویت می‌کند (سیمبر و

دیگران، ۱۴۰۰، ۳۸۹). تحقیقات نشان می‌دهد کشورهایی که دارای فرآیندهای مؤثر حل اختلافات اداری هستند، احتمال بیشتری برای ایجاد ائتلاف‌های سیاسی پایدار، افزایش مشارکت عمومی و کاهش نارضایتی اجتماعی دارند (گودرزی و دیگران، ۱۴۰۱، ۱۶). فضای همکاری و همبستگی، نهادهای دولتی را قادر می‌سازد تا حاکمیت داخلی را بهبود بخشند و پروژه‌های توسعه مشترک را با حمایت همه گروه‌های اجتماعی اجرا کنند. در نهایت، این روند راه را برای افزایش ثبات سیاسی پایدار در ایران و عراق هموار خواهد کرد.

۲-۵- تقویت ثبات سیاسی و قانون‌مداری

حل و فصل و مدیریت اختلافات اداری نقش مهمی در تقویت حاکمیت قانون در ایران و عراق دارند که عنصر کلیدی در افزایش ثبات سیاسی هستند. ثبات سیاسی به معنای پذیرش و تأیید دولت توسط مردم و نهادهای اجتماعی است و تحقق آن تا حد زیادی به نحوه مدیریت اختلافات اداری و سیاسی بستگی دارد. هنگامی که اختلافات به صورت قانونی، شفاف و مطابق با اصول قانونی حل و فصل شوند، اعتماد مردم به نهادهای دولتی افزایش می‌یابد و اعتقاد به عدالت و حاکمیت قانون گسترش می‌یابد. در ایران، پایبندی به قوانین و ساختارهای نهادی باعث شده است که حل اختلافات اداری به عنوان بخشی از مدیریت کارآمد دولت تلقی شود که ثبات و قدرت دولت را تقویت می‌کند (مرادی و سهرابیان، ۱۴۰۱، ۱۸). همچنین، اجرای فرآیندهای قانونی برای حل اختلافات باعث می‌شود افراد و گروه‌ها احساس کنند که حقوق آنها به رسمیت شناخته شده و به عدالت دست یافته‌اند. این امر به تثبیت نظم سیاسی کمک می‌کند و از نارضایتی و تنش‌های سیاسی جلوگیری می‌کند.

در عراق، وضعیت پیچیده قومی، مذهبی و سیاسی، اهمیت زیادی به حل اختلافات با رویکرد قانونی و مشارکت سیاسی به منظور حفظ قدرت نهادهای دولتی داده است. اجماع بین گروه‌ها و مشارکت همه افسار جامعه در فرآیندهای تصمیم‌گیری به هموار کردن راه برای ثبات سیاسی کمک می‌کند (غیدان، ۲۰۱۲، ۵۴). تحقیقات نشان داده است که دولت‌هایی که به حاکمیت قانون و احترام به حقوق فردی و جمعی ارزش می‌دهند، از حمایت عمومی بیشتری برخوردارند و در برابر بحران‌های سیاسی کمتر آسیب‌پذیرند (ضیول، ۱۴۰۲، ۷۵). حل اختلافات اداری به عنوان

راهی برای تقویت و قانونی کردن عملکرد نهادها، ثبات سیاسی را در هر دو کشور ایران و عراق افزایش می‌دهد و راه را برای توسعه سیاسی و اجتماعی پایدار هموار می‌کند.

۳- چالش‌ها و محدودیت‌ها

چالش‌ها و محدودیت‌های موجود در نقش حل و فصل اختلافات اداری در تحکیم حکومت و ثبات سیاسی بین ایران و عراق بسیار مهم و پیچیده است. چالش اول، تنوع و گستردگی گروه‌های قومی، مذهبی و سیاسی در هر دو کشور است که مدیریت اختلافات اداری را پیچیده می‌کند. تفاوت در منافع، ایدئولوژی‌ها و دیدگاه‌های سیاسی گروه‌ها گاهی اوقات مانع از دستیابی به توافق همدلانه می‌شود (الحسیناوی، ۱۴۰۲، ۳۸). چالش دوم، مسائل مربوط به ساختارهای اداری و ضعف نهادهای دولتی است که تا حد قابل توجهی در هر دو کشور مشاهده می‌شود. ناکارآمدی، فساد اداری و بوروکراسی پیچیده، اثربخشی سازوکارهای حل اختلاف را کاهش داده و بر اعتماد عمومی به نهادها تأثیر می‌گذارد.

مسئله سوم، دخالت و نفوذ بازیگران خارجی و رقابت‌های منطقه‌ای است که گاهی اوقات روند حل اختلاف را به چالش می‌کشد و بر ثبات سیاسی سایه می‌اندازد. همچنین، فقدان سازوکارهای قانونی دقیق و هماهنگی ناقص بین نهادهای اداری و قضایی دو کشور، محدودیت‌های مهمی هستند که روند حل اختلاف را کند و آن را ناکارآمد می‌کنند. علاوه بر این، پیچیدگی قوانین و مقررات و تفاوت در نظام‌های حقوقی ایران و عراق، حل اختلافات اداری را دشوار کرده است (عبدالرحمن، ۲۰۱۸، ۶۵). در نهایت، فقدان دانش حقوقی و آگاهی از اهمیت حل و فصل اختلافات از طریق ابزارهای قانونی نیز مانع بزرگی در روند تحکیم ثبات سیاسی است. این چالش‌ها نیازمند توجه ویژه و برنامه‌ریزی دقیق برای ایجاد سازوکارهای میانجیگری مؤثر، تقویت نهادهای حقوقی و نهادی و افزایش همکاری‌های دوجانبه است تا بتواند نقش مثبتی در تحکیم حکومت‌داری و افزایش ثبات سیاسی در منطقه ایفا کند.

۳-۱- ضعف ساختارهای قانونی و نهادی

ضعف ساختارهای حقوقی و نهادی یکی از چالش‌های اصلی در نقش حل اختلافات اداری در تقویت ثبات سیاسی بین ایران و عراق است. ساختارهای حقوقی و اداری در هر دو کشور

دارای تفاوت‌ها و کاستی‌هایی هستند که فرآیندهای تصمیم‌گیری و حل اختلافات را دشوار می‌کند. در ایران، ساختار حقوقی تا حد زیادی متمرکز و مبتنی بر قانون اساسی و مجموعه‌ای خاص از قوانین است که منجر به شفافیت نسبی فرآیندهای اداری می‌شود، اما کاستی‌ها و عدم هماهنگی در اجرا و وجود بوروکراسی پیچیده گاهی اوقات مانع از حل سریع و مؤثر اختلافات می‌شود (فقیه‌حیبی و دیگران، ۱۴۰۳، ۱۶). در عراق، ساختار نهادی فدرال و سیستم شورایی تعریف شده در قانون اساسی این کشور، اختیارات گسترده‌ای را به نهادهای محلی و استانداران داده است که گاهی اوقات منجر به عدم هماهنگی بین ساختارهای مختلف می‌شود و روند حل اختلافات اداری را چالش‌برانگیز می‌کند.

دامنه صلاحیت‌ها و وظایف نهادهای قضایی و اداری نیز در دو کشور متفاوت است و این تفاوت‌ها روند حل اختلافات را پیچیده‌تر می‌کند. به عنوان مثال، دیوان عدالت اداری در ایران ساختار، صلاحیت و عملکرد متفاوتی نسبت به دیوان عالی عدالت در عراق دارد که بر نحوه رسیدگی به اختلافات اداری و اجرای حقوق تأثیر می‌گذارد (جاسم الشمیری، ۱۴۰۰، ۴۱). علاوه بر این، ضعف در قانون‌گذاری و به‌روزرسانی قوانین مرتبط با امور اداری و فقدان سازوکارهای مؤثر میانجیگری، محدودیت‌های بیشتری ایجاد می‌کند (الجبوری، ۲۰۱۴، ۷۴). علاوه بر این، ناکارآمدی نهادهای نظارتی و کمبود نیروی انسانی متخصص در بخش دولتی، ضعف نظارت بر فرآیندهای اجرایی و عدم شفافیت در عملکرد دستگاه‌های اداری منجر به سلب اعتماد عمومی و تشدید بحران‌ها می‌شود. این عوامل دست به دست هم می‌دهند و باعث می‌شوند نقش حل اختلاف اداری کمرنگ شود.

۳-۲- فساد اداری و سیاسی

فساد اداری و سیاسی به عنوان یکی از مهمترین چالش‌ها و محدودیت‌های نقش حل و فصل اختلافات اداری در تقویت ثبات سیاسی بین ایران و عراق شناخته می‌شود. فساد، به ویژه در سطوح بالایی حکومت و اداره، نهادهای دولتی را تضعیف کرده و اعتماد عمومی را کاهش می‌دهد؛ این امر تأثیر مخربی بر ثبات سیاسی، به ویژه در ایران و عراق که سابقه طولانی در مقابله با فساد دارند، دارد. فساد اداری شامل سوءاستفاده از قدرت برای منافع شخصی، رشوه‌خواری و عدم شفافیت در فرآیندهای اداری است که منجر به ناکارآمدی در نظام اداری شده و موانع بزرگی

را برای حل اختلافات اداری ایجاد می‌کند (خندان، ۱۳۹۵، ۲۳). در عراق، ساختار طایفه‌ای و تمایل به پارتی‌بازی در بین گروه‌های مختلف قومی و مذهبی، در کنار ضعف نهادهای نظارتی و قضایی مستقل، منجر به گسترش فساد و کاهش توانایی دولت در پاسخگویی به مطالبات مردم شده است (بطیخ و العجارمه، ۲۰۱۲، ۴۵). طبق گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل، عراق از جمله کشورهایی است که بالاترین سطح فساد را در جهان دارد که پیامدهایی از جمله بی‌ثباتی سیاسی، کاهش مشارکت اجتماعی و بروز اعتراضات مردمی را به همراه دارد.

فساد در هر دو کشور باعث می‌شود اختلافات اداری نه تنها به طور مؤثر حل نشوند، بلکه به شکل بحران‌های مزمن سیاسی و اجتماعی درآیند که دولت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این وضعیت منجر به نارضایتی گسترده مردمی و ضعف در عملکرد نهادهای دولتی شده است که ثبات سیاسی را به خطر می‌اندازد. بنابراین، کاهش فساد و تقویت نظارت و شفافیت در ساختارهای دولتی از اولویت‌های اساسی برای تحکیم و افزایش ثبات سیاسی بین ایران و عراق است. در هر دو کشور، ساختارهای دولتی و عدم شفافیت، زمینه مساعدی برای فساد ایجاد کرده است (عوده، ۲۰۱۶، ۴۷). این فساد، به شکل رشوه، اختلاس، کلاهبرداری و سوءاستفاده از مقام، در سازمان‌های دولتی گسترده است و منجر به کاهش اعتماد عمومی و بی‌ثباتی سیاسی شده است. فساد انگیزه کارمندان دولت را برای ارتکاب جرم افزایش می‌دهد. فرهنگی مبتنی بر رانت‌جویی و عدم پاسخگویی، زمینه را برای تخلفات اقتصادی و مالی فراهم می‌کند. کارمندان دولتی که شاهد بی‌قانونی و مصونیت مجرمان فساد هستند، بیشتر احتمال دارد مرتکب جرم شوند (زغیرعیدان و دیگران، ۱۴۰۴، ۲۵۴). در نهایت، برای رفع این چالش‌ها، باید اقدامات جدی برای اصلاح نهادهای نظارتی، افزایش شفافیت و پاسخگویی در نهادهای اداری و قضایی و ایجاد فرهنگ مبارزه با فساد در جامعه انجام شود. تنها با این راهکارها می‌توان پیامدهای منفی فساد بر روند حل اختلافات اداری را کاهش داد و به تحکیم ثبات سیاسی در منطقه کمک کرد.

۳-۳- تداخل و تعارض منافع گروه‌های مختلف

همپوشانی و تضاد منافع گروه‌های مختلف قومی، مذهبی و سیاسی یکی از چالش‌های عمده در نقش حل اختلافات اداری در تحکیم ثبات سیاسی بین ایران و عراق است. ایران و عراق هر دو دارای ساختارهای جمعیتی چند قومی و چند مذهبی هستند که از نظر تاریخی و فرهنگی

عمیقاً به هم پیوسته‌اند، اما اختلافات و درگیری‌های بین این گروه‌ها در هر دو کشور، مدیریت اختلافات را پیچیده کرده است (پرتوی و دیگران، ۱۴۰۳، ۹۳). در عراق، مسائل قومی و مذهبی بین شیعیان، سنی‌ها، کردها و اقلیت‌های مذهبی و قومی منجر به شکل‌گیری ساختارهای سیاسی ناهمگن و تسلط گروه‌های مختلف بر قدرت و منابع سیاسی شده است. تضاد منافع گروهی در ایران نیز اغلب خود را به شکل اختلافات قومی و مذهبی بین فارس‌ها، کردها، ترک‌ها و سایر اقوام و مذاهب نشان می‌دهد. این اختلافات می‌تواند منجر به اختلافات جدی در سازمان سیاسی و اجرایی شود که بر فرآیندهای حل اختلافات اداری و سیاسی تأثیر می‌گذارد (صفاء، ۲۰۱۵، ۶۲). در چنین شرایطی، رقابت برای قدرت و سهمیه‌های سیاسی، اختلافات اداری را پیچیده کرده و اعتماد عمومی و همبستگی اجتماعی را کاهش می‌دهد.

علاوه بر این، بازیگران سیاسی و گروه‌های مختلف تمایل دارند منافع خود را به حداکثر برسانند و گاهی از حل مسالمت‌آمیز اختلافات اجتناب می‌کنند و به دنبال استفاده از اختلافات برای افزایش نفوذ و قدرت سیاسی خود هستند (چوخاچی زاده مقدم و دیگران، ۱۳۹۲، ۹۰). این رفتارها نه تنها روند حل اختلافات اداری را کند می‌کند، بلکه در برخی موارد منجر به بحران‌های سیاسی و اجتماعی می‌شود که ثبات سیاسی را به خطر می‌اندازد (براتی، ۱۳۹۸، ۷۴). مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که بدون سازوکارهای میانجیگری و نهادهای قانونی مؤثر، مدیریت چنین اختلافاتی دشوار است و می‌تواند نهادهای دولتی را تضعیف کرده و بی‌ثباتی سیاسی را افزایش دهد. بنابراین، شناخت و مدیریت دقیق تضاد منافع بین گروه‌های مختلف برای حل موفقیت‌آمیز اختلافات اداری در ایران و عراق ضروری است.

۳-۴- عدم شفافیت و کمبود اطلاعات

فقدان شفافیت و کمبود اطلاعات یکی از چالش‌های عمده و محدودیت‌های اساسی در نقش حل و فصل اختلافات اداری در تقویت ثبات سیاسی بین ایران و عراق است (تماره محمدعباس و دیگران، ۱۴۰۴، ۱۳۹). این مسئله به دلایل مختلفی از جمله ساختارهای سیاسی-اداری، فرهنگ حکومتداری و شرایط پیچیده تاریخی و منطقه‌ای این دو کشور ایجاد می‌شود. اول، فقدان شفافیت در سازوکارهای اداری و سیاسی منجر به کاهش اعتماد عمومی می‌شود. وقتی مردم و نهادهای جامعه مدنی به اطلاعات کامل و دقیق در مورد تصمیم‌گیری و عملکرد مسئولان

دسترسی نداشته باشند، احساس بی‌اعتمادی و ناامنی نسبت به دولت شکل می‌گیرد که منجر به تضعیف حکومت می‌شود. در فضایی با شفافیت ناکافی، افراد و گروه‌های تأثیرگذار می‌توانند با عدم پاسخگویی از پاسخگویی طفره برونند که این امر فساد و سوءاستفاده‌های اداری را افزایش می‌دهد. دوم، فقدان اطلاعات و شفافیت مانع نظارت مؤثر و مشارکت عمومی در فرآیندهای حکومتداری می‌شود. بدون دسترسی آزاد و گسترده به اطلاعات، ارزیابی عملکرد دولت و نهادهای اداری دشوار است و امکان اصلاح و بهبود سیستم‌های اداری محدود است (عباسی، ۱۴۰۲، ۲۵). همچنین، فقدان داده‌های شفاف و دقیق باعث می‌شود که اختلافات اداری در فضایی مبهم و نامشخص باقی بمانند و راه‌حل‌های پایداری برای آنها ارائه نشود که این امر به بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی دامن می‌زند.

در ایران و عراق، شرایط ویژه‌ای مانند تحریم‌های بین‌المللی، حضور نیروهای نظامی، مشکلات ساختاری در قوانین، فرقه‌گرایی و فقدان قانون‌گذاری مؤثر، منجر به گسترش چالش‌های مرتبط با شفافیت شده است. این عوامل باعث می‌شوند که فرآیندهای حل اختلافات اداری نه تنها ناکارآمد باشند، بلکه در برخی موارد منجر به تشدید بحران‌های سیاسی و کاهش ثبات کشورها می‌شوند. بنابراین، برای تقویت حکومت در ایران و عراق، اجرای رویکردهای حکومت‌داری خوب با تأکید ویژه بر افزایش شفافیت و دسترسی آزاد به اطلاعات اداری ضروری است. این اقدامات می‌تواند پاسخگویی مقامات را افزایش دهد، فساد را کاهش دهد، مشارکت عمومی را ارتقا دهد و در نهایت ثبات سیاسی را تقویت کند (المجنه، ۱۴۰۰، ۳۸). ایجاد سازوکارهای مؤثر برای انتشار شفاف اطلاعات و تسهیل نظارت عمومی از جمله گام‌های کلیدی است که باید در حل اختلافات اداری و تقویت حکومت در نظر گرفته شود. فقدان شفافیت و کمبود اطلاعات، به عنوان یکی از محدودیت‌های اساسی در فرآیندهای حل و فصل اختلافات اداری، مانعی جدی در دستیابی به حکمرانی خوب، ثبات سیاسی در ایران و عراق تلقی می‌شود و رفع آن مستلزم اقدامات ساختاری و فرهنگی به موازات اصلاحات قانونی است.

۳-۵- نفوذ عوامل خارجی و مداخلات منطقه‌ای

تأثیر عوامل خارجی و مداخلات منطقه‌ای یکی از چالش‌ها و محدودیت‌های اساسی در نقش حل اختلافات اداری در تحکیم ثبات سیاسی بین ایران و عراق است. این موضوع در طول تاریخ

روابط دو کشور، به‌ویژه پس از جنگ‌های ایران و عراق و تحولات سیاسی و نظامی در منطقه، بارها آشکار شده است. یکی از ابعاد مهم این چالش، حضور و نفوذ بازیگران فرامنطقه‌ای و همسایگان منطقه‌ای با منافع متفاوت و گاه متضاد در سیاست داخلی عراق است. نفوذ کشورهایمانند ایالات متحده، عربستان سعودی، کشورهای خلیج فارس در فرآیندهای داخلی عراق، باعث شده است که حل اختلافات اداری نه تنها به یک مسئله داخلی، بلکه به عرصه‌ای برای جنگ‌های نیابتی و رقابت‌های استراتژیک تبدیل شود (متی و هادیان، ۱۳۹۸، ۱۵۱). این مداخلات گاهی منجر به پیچیدگی‌های بیشتر در تسویه حساب‌های داخلی و افزایش اختلافات قومی، مذهبی و سیاسی شده است. از سوی دیگر، این تأثیرات و مداخلات خارجی بر نهادهای حاکم در عراق تأثیر منفی می‌گذارد. وقتی بخش‌های مختلف سیاسی و اداری در عراق تحت تأثیر فشار و حمایت خارجی قرار می‌گیرند، امکان تشکیل یک دولت واحد و پاسخگو به خواسته‌های ملی کاهش می‌یابد و این امر ثبات سیاسی را تضعیف می‌کند (العززی و الصالح، ۲۰۱۸، ۶۷). همچنین، برخی از گروه‌ها و احزاب سیاسی وابسته به قدرت‌های خارجی ممکن است به جای تمایل به تعامل و مصالحه، برای حفظ نفوذ خود به اختلافات اداری و سیاسی دامن بزنند.

همچنین، این مداخلات امنیتی و نظامی بر فرآیندهای تصمیم‌گیری اداری در عراق نیز تأثیر می‌گذارد. حضور نیروهای نظامی خارجی مانند ایالات متحده، و وضعیت امنیتی را پیچیده کرده و فضای اعتماد و همکاری بین سازمان‌های داخلی را کاهش داده است. علاوه بر این، درگیری‌های منطقه‌ای و رقابت‌های ژئوپلیتیکی مانع از حل آسان و سریع اختلافات اداری و جلوگیری از بهبود وضعیت حکومتمداری و ثبات سیاسی در عراق می‌شود. با این حال، ایران در این میان به دنبال تقویت روابط با گروه‌ها و نهادهای داخلی عراق است که می‌توانند نقش ثبات‌بخش ایفا کنند (العیساوی، ۲۰۱۲: ۵۷). سیاست ایران حمایت از یک دولت واحد و تقویت فرآیندهای انتخاباتی در عراق بوده است که بتوانند در برابر فشارهای خارجی مقاومت کنند و به تثبیت حکومتمداری کمک کنند. با این حال، تأثیر عوامل خارجی، به عنوان عاملی که موازنه قدرت را بر هم می‌زند و اختلافات داخلی را افزایش می‌دهد، دستیابی به حل مؤثر اختلافات اداری و بهبود ثبات سیاسی را با چالش مواجه کرده است. بنابراین، برای افزایش ثبات سیاسی در ایران و عراق، ضروری است که مداخله خارجی کاهش یابد و راه‌حل‌های مدیریت بحران در داخل و بر اساس

منافع و خواسته‌های ملی تدوین شود (متی و هادیان، ۱۳۹۸، ۱۵۳). دیپلماسی سازنده و همکاری منطقه‌ای نیز می‌تواند شدت اثرات منفی مداخلات خارجی را کاهش داده و محیط مناسب‌تری را برای حل اختلافات اداری ایجاد کند.

۳-۶- ضعف فرهنگ حل اختلاف و عدم تمایل به مصالحه

ضعف فرهنگ حل اختلاف و عدم تمایل به مصالحه، چالش‌ها و محدودیت‌های جدی در نقش حل اختلاف اداری در تقویت ثبات سیاسی بین ایران و عراق است. فرهنگ حل اختلاف به نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و سازمانی اشاره دارد که نشان‌دهنده تمایل به گفتگو، تفاهم و جستجوی راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز برای اختلافات است (الفتلاوی، ۲۰۱۰، ۵۴). در ایران و عراق، به دلایل تاریخی، سیاسی و فرهنگی، این فرهنگ با مشکلات زیادی روبرو است. اول، سابقه طولانی درگیری‌های تاریخی، جنگ‌ها و اختلافات مرزی، مانند اختلافات بر سر شط العرب و اروندرود، منجر به ایجاد ذهنیت‌های خصمانه و بی‌اعتمادی عمیق بین طرفین شده است. این سابقه دشوار، تمایل به مصالحه و حل مسالمت‌آمیز اختلافات اداری را کاهش داده و زمینه مناسبی برای سخت‌گیری، محافظه‌کاری در تصمیم‌گیری و حتی برخوردهای تند فراهم کرده است. دوم، سیستم‌های اداری و حکومتی در هر دو کشور با چالش‌های ساختاری و فرهنگی مواجه هستند که مانع از شکل‌گیری فرآیندهای کارآمد مبتنی بر گفتگو و تفاهم می‌شود (مبارکی و دیگران، ۱۳۹۸، ۴۹). فقدان سازوکارهای سیستماتیک و نهادینه‌شده برای حل اختلافات غیرخود سرانه و عدم تشویق به مصالحه از جمله مشکلات اساسی است که باعث می‌شود اختلافات اداری در قالب منازعات پیچیده و طولانی‌مدت باقی بماند.

در فضای سیاسی و اداری ایران و عراق، جریان‌ها و گروه‌های مختلف سیاسی و قومی، گاهی منافع خود را در تشدید اختلافات و رویارویی‌های رقابتی می‌بینند و رویکرد مصالحه‌آمیز را تهدیدی برای جایگاه و نفوذ خود می‌دانند. این تمایل به حفظ اختلافات برای دستاوردهای سیاسی کوتاه‌مدت، مانع از ایجاد ثبات و تثبیت حاکمیت می‌شود. همچنین، فقدان آموزش‌های تخصصی و فرهنگ‌سازی در مورد اهمیت حل سازنده و از طریق مصالحه در سطوح مختلف اداری، عامل بازدارنده مهمی محسوب می‌شود. این ضعف باعث می‌شود مدیران و مسئولان به راه‌حل‌های تقابلی و قدرت‌محور روی آورند و از ظرفیت‌های میانجیگری و گفتگو بهره نبرند.

(عبدالمحسن عبدالمحسن، ۱۴۰۲، ۷۲). در نتیجه، ضعف فرهنگ حل اختلاف و عدم تمایل به مصالحه، حل اختلافات اداری در ایران و عراق را کند و ناکارآمد می‌کند و مانع از شکل‌گیری حاکمیت پاسخگو می‌شود. برای تقویت این فرهنگ، اقدامات آموزشی، حقوقی و نهادی برای گسترش آگاهی حقوقی، تشویق مشارکت در سازوکارهای غیرخودسرانه و ارتقای روحیه تعامل برای هموار کردن راه حل مسالمت‌آمیز اختلافات ضروری است. این امر نقش کلیدی در کاهش تنش‌های سیاسی و ایجاد ثبات پایدار دارد.

۴- راهکارهای مقابله با چالش‌ها

راهکارهای مقابله با چالش‌های نقش حل اختلاف اداری در تقویت ثبات سیاسی بین ایران و عراق شامل تقویت حکومت اداری کارآمد با تمرکز بر جلوگیری از فساد و تخلفات اداری است. حکومتداری خوب نیازمند ساختارهای پویا، فرهنگ سازمانی مترقی و استفاده از نیروهای شایسته‌ای است که اعتماد عمومی را افزایش داده و تقویت کنند. همچنین، جداسازی امور مدیریتی از وابستگی‌های سیاسی به نحوی که نظام اداری بتواند مستقل از دخالت‌های جناحی و سیاسی عمل کند و پاسخگو باشد، راهکار مهم دیگری است (عبداللطیف، ۲۰۱۴، ۱۲۱). توسعه دولت الکترونیک و استفاده از فناوری‌های هوشمند، شفافیت را افزایش، فساد را کاهش و حل اختلاف را تسهیل می‌کند. تدوین و اجرای قانون پاسخگویی عمومی که نوع پاسخگویی، ابزارها و سازوکارهای مقابله با عدم پاسخگویی را مشخص کند، دولت و دستگاه‌های اداری را ملزم به پاسخگویی به مردم خواهد کرد. تقویت آموزه‌های اخلاقی و دینی در نظام اداری، تعهدات اخلاقی کارکنان را افزایش و فضای فساد و بی‌اعتمادی را کاهش می‌دهد. در عراق، حل و فصل ناسازگاری‌ها و اختلافات قومی و فرقه‌ای از طریق راهکارهای دموکراتیک مبتنی بر اجماع که توزیع عادلانه قدرت و مشارکت همه گروه‌ها را تضمین می‌کند، مهم است (خلیفه، ۲۰۱۶، ۱۰۵). این راهکارها تضمین می‌کند که حل اختلافات اداری نه تنها به کاهش فساد و بی‌نظمی‌های اداری کمک می‌کند، بلکه ثبات سیاسی را در هر دو کشور ایران و عراق تثبیت می‌کند.

۴-۱- تقویت ساختارهای قانونی

تقویت ساختارهای حقوقی به عنوان یکی از راهکارهای مقابله با چالش‌های موجود در زمینه نقش حل و فصل اختلافات اداری در تحکیم ثبات سیاسی بین ایران و عراق از اهمیت بالایی برخوردار است. این امر مستلزم طراحی، تصویب و اجرای قوانین جامع و شفاف است که اختلافات را به صورت کامل، قطعی و مسالمت‌آمیز حل و فصل کند. نمونه بارز آن قانون حل و فصل جامع و قطعی کلیه مسائل و دعاوی معوقه بین ایران و عراق است که در قالب صورتجلسه‌ای در بغداد در سال ۱۳۵۴ هجری شمسی (۱۹۷۵ میلادی) امضا و تصویب شد. این قانون چارچوبی قانونی برای تنظیم و حل اختلافات بین دو کشور فراهم کرد، از تکرار ادعاها و تنش‌ها جلوگیری کرد و زمینه‌ای برای تقویت روابط دوستانه و برادرانه فراهم نمود. یکی از نکات کلیدی در تقویت ساختارهای حقوقی این است که قوانین به صورت یکپارچه و هماهنگ تدوین شوند و پراکندگی و چندپارگی در متون حقوقی که باعث ابهام و سردرگمی برای طرفین ذینفع می‌شود، کاهش یابد (فلاحی و دیگران، ۱۴۰۳، ۱۲۱). به عنوان مثال، در عراق، قوانین مربوط به توافق‌نامه‌های اداری بین‌المللی و حل و فصل اختلافات ناشی از آنها، پراکنده و گاهی مبهم است که به نوبه خود چالش‌هایی را ایجاد می‌کند. در مقابل، کشورهای دیگری مانند الجزایر، نظام حقوقی منسجم‌تری را در این زمینه طراحی کرده‌اند که الگوی مناسبی برای عراق است. در این چارچوب، قوانین باید سازوکارهای روشن و کارآمدی برای حل اختلافات، از جمله دادگاه‌های تخصصی ذیصلاح، میانجیگری قضایی و روش‌های جایگزین حل اختلاف، داشته باشند (قاسم‌الدلام، ۱۴۰۰، ۷۰). این اقدامات، به ویژه در توافق‌نامه‌های اداری بین‌المللی، نقش برجسته‌ای دارند تا اجرای مفاد توافق‌نامه تضمین شود، از بروز اختلافات مزمن جلوگیری شود و اعتماد طرفین توافق‌نامه جلب شود.

از سوی دیگر، تدوین و تصویب توافق‌نامه‌ها و پروتکل‌های اجرایی دقیق و الزام‌آور نیز در ایجاد ثبات سیاسی حکومت مؤثر است. نمونه‌ای از چنین توافق‌نامه‌هایی، معاهده الجزایر در سال ۱۹۷۵ بود که در نهایت بسیاری از اختلافات مرزی و سیاسی بین ایران و عراق را حل و فصل کرد، تنش‌ها را کاهش داد و روابط را بهبود بخشید. این معاهده حاوی مفاد خاصی در مورد عدم تغییر خطوط مرزی، روش حل اختلاف و ضمانت‌های اجرای تعهدات طرفین بود که به جلب

اعتماد طرفین و جامعه بین‌المللی کمک کرد. در نهایت، تقویت ساختارهای قانونی باید با تضمین اجرای مؤثر آنها همراه باشد تا نهادهای قضایی و اجرایی توانمند و مستقل بتوانند نقشی منصفانه و بی‌طرفانه در پاسخگویی به تخلفات و دعاوی ایفا کنند (الحسیناوی، ۱۴۰۲، ۵۱). این امر زمینه‌ساز افزایش اعتماد عمومی به نظام حکمرانی و تقویت ثبات سیاسی خواهد بود. بنابراین، تقویت ساختارهای قانونی از طریق تدوین قوانین جامع، هماهنگ و شفاف، ایجاد سازوکارهای تخصصی و کارآمد حل اختلاف، تصویب معاهدات الزام‌آور و تضمین اجرای صحیح آنها، نقش کلیدی در حل اختلافات اداری و تثبیت و ثبات سیاسی در ایران و عراق ایفا می‌کند.

۴-۲- مبارزه جدی با فساد

مبارزه جدی با فساد یکی از مهمترین راهکارها برای رفع چالش‌های موجود در نقش حل اختلاف اداری در تقویت ثبات سیاسی بین ایران و عراق است. فساد در اشکالی مانند رشوه، اختلاس، سوء استفاده از منابع دولتی و کلاهبرداری خود را نشان می‌دهد و به یکی از بزرگترین موانع توسعه و کارایی سازمان‌های دولتی تبدیل شده است. عراق پس از تصویب کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه فساد، اولین استراتژی ملی خود را برای مبارزه با فساد در سال ۲۰۱۰ تدوین و اجرا کرد. این استراتژی منجر به لغو برخی از مواد قانونی که مصونیت مجرمان فساد را فراهم می‌کرد، شد و کمیسیون درستکاری، به عنوان نهاد اصلی مبارزه با فساد در عراق، در ارجاع بیش از ۲۹۰۰۰ پرونده به دادگاه‌ها مؤثر بوده است. با این حال، چالش‌های قانونی و ساختاری همچنان موانع جدی در مبارزه با فساد هستند. در ایران، با وجود قوانین متعدد مانند ممنوعیت دریافت پورسانت، ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل دولتی و قوانینی برای ارتقای سلامت نظام اداری، چالش‌های اجرایی و نظارتی همچنان پابرجاست (الخرزاعی، ۱۴۰۰، ۵۲). از جمله این موارد می‌توان به ناهماهنگی بین نهادها، شفافیت و نظارت ضعیف و نفوذ شبکه‌های قدرت که مانع از اجرای کامل سیاست‌های مبارزه با فساد می‌شوند، اشاره کرد.

یکی از راهکارهای مهم در این زمینه، توسعه دولت الکترونیک است که با کاهش دخالت انسان در تراکنش‌های مالی و اداری، شفافیت را افزایش داده و کنترل و نظارت را تسهیل می‌کند. عراق در سال‌های اخیر با راه‌اندازی پلتفرم‌های فناوری اطلاعات مانند پلتفرم «ذجور» توانسته است تراکنش‌های مالی را با یک سیستم یکپارچه و بدون تعاملات فردی کنترل کند و از این

طریق جایگاه خود را در مبارزه با فساد مالی بهبود بخشید. علاوه بر این، سیاست جنایی در عراق در سال‌های اخیر تغییر کرده و رویکردی علمی و پیشگیرانه به جای مجازات‌های صرفاً کیفری اتخاذ شده است. نهادهایی مانند کمیسیون در ستکاری، دفاتر بازرسی کل و کمیته عالی مبارزه با فساد نقش کلیدی در نظارت، سرپرستی و پیگیری پرونده‌های فساد دارند (عیسی‌بازید و دیگران، ۱۴۰۴، ۷۲). با این حال، مبارزه مؤثر با فساد مستلزم همکاری بین نهادهای مختلف، شفافیت، پاسخگویی، مشارکت جامعه مدنی و بخش خصوصی و تغییر فرهنگی در جامعه است. توجه به اصول حکمرانی خوب، توسعه فرهنگ درستکاری و ایجاد چارچوب‌های قانونی و اجرایی قوی، کلید کاهش فساد و در نتیجه تقویت ثبات سیاسی در ایران و عراق خواهد بود.

۴-۳- کاهش نفوذ عوامل خارجی از طریق دیپلماسی

کاهش نفوذ بازیگران خارجی از طریق دیپلماسی، یکی از راهکارهای اساسی برای مقابله با چالش‌های موجود در حوزه حل اختلافات اداری و همچنین تحکیم حکومتمداری و ثبات سیاسی بین ایران و عراق است (الطباخ، ۲۰۱۲، ۶۴). نفوذ بیگانگان و بازیگران فرامنطقه‌ای که اغلب از طریق گروه‌های شبه‌نظامی، مداخلات سیاسی و اقتصادی و نفوذ فرهنگی صورت می‌گیرد، تهدیدی جدی برای امنیت و ثبات دو کشور است. دیپلماسی هوشمندانه و فعال ایران در عراق، با محوریت استفاده از قدرت نرم، از جمله اشتراکات مذهبی، فرهنگی و تاریخی، توانسته نقش مؤثری در کاهش نفوذ مخالفان و بازیگران رقیب ایفا کند. سیاست خارجی ایران در قبال عراق مبتنی بر حفظ تمامیت ارضی کشور و تقویت یک دولت دوست و متحد است که به کاهش فشار ایالات متحده و سایر قدرت‌های خارجی کمک می‌کند. این سیاست با حمایت از دولت عراق و نهادهای رسمی آن، مبتنی بر تعامل سازنده، گفتگوی سیاسی و همکاری اقتصادی است و زمینه را برای جلوگیری از نفوذ گروه‌ها و نیروهای وابسته به سایر بازیگران فراهم می‌کند (نوازی و عبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۸). استفاده از گفتگوهای منطقه‌ای و بین‌المللی برای برجسته کردن اهمیت ثبات عراق و توسعه روابط حسن همجواری، یکی دیگر از عوامل موفقیت دیپلماسی ایران است. نکته مهم این است که دیپلماسی برای کاهش نفوذ خارجی محدود به رویارویی نظامی نیست، بلکه استفاده از دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی رسانه‌ای و ایجاد شبکه‌های ارتباط اجتماعی از طریق نهادهای مردمی، مذهبی و فرهنگی از اهمیت بالایی برخوردار است. این روش باعث

ایجاد همبستگی داخلی و جلب حمایت افکار عمومی عراق می شود که در نهایت ثبات سیاسی را تقویت می کند (الشرنه، ۲۰۰۸، ۱۲۴). علاوه بر این، همکاری‌های دوجانبه بین ایران و عراق در زمینه‌های اقتصادی و امنیتی نیز به عنوان بستری مهم برای مقابله با نفوذ خارجی عمل می‌کند. توانمندسازی نهادهای حاکمیتی عراق و کاهش وابستگی آن به قدرت‌های فرامنطقه‌ای منجر به افزایش خودتکایی و قدرت داخلی می شود به طور کلی، دیپلماسی فعال و هو شمندانه ایران که استفاده از قدرت نرم را با راهبردهای سیاسی و امنیتی ترکیب می‌کند، به عنوان راهکاری مؤثر برای کاهش نفوذ خارجی، حفظ امنیت و ثبات سیاسی بین ایران و عراق شناخته می‌شود.

۴-۴- تقویت اعتماد میان نهادهای دولتی و مردم

تقویت اعتماد بین نهادهای دولتی و مردم یکی از راهکارهای اساسی برای رفع چالش‌های موجود در حل اختلافات اداری و تقویت ثبات سیاسی بین ایران و عراق است. اعتماد عمومی پایه و اساس هر نظام حکومتی سالم و کارآمد است و فقدان آن می‌تواند منجر به بحران‌های سیاسی و اجتماعی شود. در عراق، به‌ویژه در منطقه کردستان، به دلیل عملکرد ضعیف، فساد گسترده، عدم شفافیت و تبعیض سیاسی، بحران عمیق بی‌اعتمادی عمومی به نهادهای دولتی ایجاد شده است. مطالعات نشان می‌دهد که سطح اعتماد به دولت و نهادهای دولتی در کردستان عراق به شدت کاهش یافته و مردم از خدمات دولتی مانند بهداشت، آموزش، برق و اشتغال ناراضی هستند که منجر به کاهش ثبات سیاسی شده است (بی‌نا، ۱۴۰۳). در ایران نیز ایجاد فضای اعتماد بین مردم و دولت از طریق افزایش پاسخگویی، شفافیت در امور اداری، احترام به حقوق شهروندان و مبارزه جدی با فساد از اهمیت بالایی برخوردار است (بی‌نا، ۱۳۹۷). روابط فرهنگی و مذهبی مشترک بین مردم ایران و عراق نیز می‌تواند بستر مناسبی برای افزایش اعتماد متقابل در هر دو کشور باشد.

در این راستا، تقویت دیپلماسی قدرت نرم ایران در عراق که مبتنی بر ارزش‌های مشترک فرهنگی، مذهبی و سیاسی است، ارتباط عمیق‌تری بین مردم و نهادهای رسمی ایجاد کرده و از فروپاشی اجتماعی و سیاسی جلوگیری می‌کند. همچنین، جلب مشارکت فعال مردم در فرآیندهای تصمیم‌گیری، توسعه جامعه مدنی و ایجاد نهادهای نظارتی مستقل می‌تواند اعتماد را به میزان قابل توجهی افزایش دهد (مرادی و سهرابیان، ۱۴۰۱، ۲۴). به طور کلی، اعتماد بین

نهادهای دولتی و مردم، با ارتقای شفافیت، پاسخگویی، کاهش فساد و تقویت مشارکت عمومی، زمینه را برای حل اختلافات اداری، تقویت ثبات سیاسی در ایران و عراق فراهم می‌کند. این یکی از راهکارهای کلیدی برای رفع چالش‌های موجود در فرآیند حل اختلافات اداری و ایجاد پایه‌های حکومتداری مؤثر و پایدار است.

۴-۵- ایجاد سازوکارهای همکاری

ایجاد سازوکارهای همکاری یکی از راهکارهای مهم و مؤثر در رفع چالش‌های موجود در زمینه نقش حل اختلافات اداری در تقویت ثبات سیاسی بین ایران و عراق است. این سازوکارها زمینه ساز تعامل مستمر و سازنده بین نهادها و سازمان‌های دولتی دو کشور می‌شوند و ضمن افزایش همگرایی در مدیریت مسائل مشترک، امکان تبادل اطلاعات و تجربیات را فراهم می‌کنند. تشکیل کمیسیون‌ها و هیئت‌های مشترک نمایندگان نهادهای مختلف اداری و قضایی ایران و عراق برای بررسی و حل اختلافات اداری تجربه‌شده می‌تواند تنش‌ها را کاهش داده و راهکارهای اجرایی و کارشناسی مناسبی را پیشنهاد دهد. این کمیسیون‌ها علاوه بر سازماندهی حل اختلافات، بستری مناسب برای ایجاد اعتماد متقابل و تبادلات تخصصی فراهم می‌کنند که منجر به تقویت حکومت در هر دو طرف می‌شود (الخزاعی، ۱۴۰۰، ۹۱). طراحی سازوکارهای همکاری الکترونیکی مانند سیستم‌های مشترک مدیریت اطلاعات، گزارش‌دهی و نظارت بر عملکرد اداری، منجر به شفافیت و کاهش فساد و سوء مدیریت خواهد شد. این سیستم‌های الکترونیکی نه تنها سرعت حل اختلافات را افزایش می‌دهند، بلکه با ایجاد شفافیت در فرآیندها، اعتماد عمومی به دولت‌ها را نیز افزایش می‌دهند. برگزاری جلسات و کارگاه‌های مشترک برای تبادل دانش فنی و تجربیات در حوزه مدیریت بحران و حل اختلافات اداری با مشارکت نخبگان و متخصصان هر دو کشور می‌تواند به تقویت ظرفیت‌های حکمرانی محلی و منطقه‌ای کمک کند.

استفاده از روش‌های میانجیگری و داوری در قالب نهادهای مشترک که ظرفیت‌های قانونی ایران و عراق را برای حل مسائل پیچیده اداری ترکیب می‌کنند، راهکاری مؤثر برای کاهش منازعات و افزایش ثبات سیاسی است. علاوه بر این، سازوکارهای همکاری باید با حمایت سیاسی و مالی مستمر و تعهدات بلندمدت همراه باشند تا دستیابی به اهداف مورد انتظار در حل اختلافات اداری و تقویت در هر دو کشور تضمین شود. با بهره‌گیری از این سازوکارهای

همکاری، ضمن کاهش اختلافات اداری، سطح هماهنگی، اعتماد و همکاری بین ایران و عراق افزایش یافته است که به تقویت پایه‌های ثبات سیاسی و کمک شایانی خواهد کرد (براتی، ۱۳۹۸، ۱۲۴). بنابراین، ایجاد و توسعه سازوکارهای همکاری مشترک، ابزاری کلیدی برای رسیدگی به چالش‌های اداری و سیاسی در روابط دو کشور است که نقش مؤثری در تأمین امنیت، توسعه و رفاه مشترک ایفا می‌کند.

نتیجه‌گیری

حل اختلافات اداری نقش بسیار مهمی در تقویت و افزایش ثبات سیاسی بین ایران و عراق دارد. این اختلافات که عمدتاً در حوزه‌های مرزی، اقتصادی و فرهنگی رخ می‌دهند، در صورت مدیریت غیرسازنده و غیرقانونی می‌توانند به تنش‌های جدی، بی‌ثباتی سیاسی و آسیب به روابط دوجانبه منجر شوند. بنابراین، استفاده از سازوکارهای مؤثر مانند کمیسیون‌های مشترک، نهادهای میانجیگری بین‌المللی و توافقات دوجانبه که بر اساس احترام متقابل و منافع مشترک شکل می‌گیرند، به عنوان ابزارهای کلیدی در کاهش این اختلافات در نظر گرفته می‌شوند. حل و فصل منطقی و به موقع اختلافات اداری نه تنها از بروز بحران‌های داخلی جلوگیری می‌کند، بلکه نظم حقوقی و نظارتی را تقویت می‌کند. ایران و عراق به دلیل شباهت‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی و همچنین روابط سیاسی پیچیده خود، به ویژه به این سازوکارها نیاز دارند تا بتوانند اختلافات اداری خود را به طور مؤثر مدیریت کنند. ثبات سیاسی، به عنوان پیش‌نیاز بقا و توسعه نظام‌های سیاسی، فرآیندی پویا و چندبعدی است که حفظ تعادل بین خواسته‌ها و انتظارات مردم و عملکرد دولت را تضمین می‌کند. در این چارچوب، اختلافات اداری به عنوان بخشی از نظام مدیریت عمومی و روابط حقوقی دولت با شهروندان شناخته می‌شود و حل آنها باید با روش‌هایی مانند میانجیگری، داوری و مصالحه سازنده همراه باشد تا از تشدید اختلافات جلوگیری شود.

تجارب گذشته عراق پس از سقوط رژیم بعث و تلاش‌ها برای تشکیل کمیسیون‌های مشترک، نقش کلیدی گفتگوی سازنده و مشورت در اصلاح ساختارهای سیاسی و مدیریت منازعات قومی و مذهبی را نشان می‌دهد. این تجربیات می‌تواند الگوی ارزشمندی برای ایران و عراق در

برخورد با اختلافات اداری و ارتقای ثبات سیاسی باشد. علاوه بر این، کاهش تنش‌های داخلی از طریق حل اختلافات اداری به حفظ امنیت، پیشرفت اقتصادی و توسعه همکاری‌های فرهنگی کمک می‌کند و از پیچیده‌تر شدن بحران‌های سیاسی جلوگیری می‌کند. در نهایت، باید اذعان کرد که مدیریت مؤثر اختلافات اداری، به عنوان یکی از شاخص‌های مهم ارزیابی کارایی نظام‌های اداری و حکمرانی، عامل کلیدی در ایجاد ثبات سیاسی در منطقه است. پایبندی به اصول حقوقی، احترام متقابل و تعامل سازنده در این فرآیندها، راهبردهای دیپلماتیک و مؤثری برای تضمین صلح و توسعه پایدار در ایران، عراق و به طور کلی منطقه است. بنابراین، توسعه و تقویت سازوکارهای حل اختلافات اداری گامی حیاتی در جهت ارتقای ثبات سیاسی حاکمیت دو کشور است که می‌تواند منجر به بهبود روابط دوجانبه و افزایش همکاری‌های منطقه‌ای شود.



فهرست منابع

- احمدی، حسین و معیدفر، سعید (۱۳۹۴). دموکراسی و ثبات سیاسی. *مسائل اجتماعی ایران*، ۶(۰۱): ۳۵-۰۷.
- البیاتی، احمد هادی کریم (۱۴۰۱). نظارت قضایی بر کار کنترل اداری مطالعه تطبیقی بین قانون عراق و ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشکده حقوق.
- الحسیناوی، زهراء جوید یاسین (۱۴۰۲). نقش دادگاه ها در حل و فصل اختلافات تجاری از طریق میانجی گری مطالعه تطبیقی حقوق عراق و لبنان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشکده حقوق.
- الخزاعی، وجدی صباح محمود (۱۴۰۰). گستره کارآمدی سیاست جنایی عراق در مبارزه با فساد مالی و اداری؛ بررسی تطبیقی. رساله دکتری تخصصی، دانشگاه خوارزمی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی. المحنه، محمد حاکم عزوز (۱۴۰۰). نظارت قضایی و اداری بر کاهش جرم رشوه در بین کارکنان دولت مطالعه تطبیقی بین قانون عراق و ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشکده حقوق.
- براتی، امیر نظام (۱۳۹۸). *حکمرانی خوب و مبارزه با مفاسد اقتصادی (بررسی حقوق ضد فساد در نظام ملی و بین المللی)*. تهران: انتشارات مجد.
- بی نا (۱۴۰۳). *بحران عمیق بی اعتمادی مردم به دولت اقلیم کردستان عراق*. منتشر شده در کرد پرس. قابل مشاهده در: <https://www.kurdpress.com/news/2770408/>
- بی نا (۱۳۹۷). *ایران و افکار عمومی عراق*. شماره ۴۱۳۴ - یکشنبه ۲۴ تیر ۱۳۹۷. منتشر شده در روزنامه اعتماد. قابل مشاهده در: <https://www.etemadnewspaper.ir/fa/main/detail/105711/>
- پرتوی، اصغر، مرادی، عباس، رفیعی، ابوالفضل (۱۴۰۳). اولویت بندی مؤلفه های ساختاری فساد اداری در ایران معاصر. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۲۷: ۸۷-۱۰۹.
- تماره محمد عباس، عباس، تماره، شاهی، محمد شریف، السلطانی، جعفر ناصر عبدالرضا، رئیسی، لیلا (۱۴۰۴). *پژوهش های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست*، ۷(۰۳): ۱۵۱-۱۳۰.
- جاسم الشمری، عماد طه (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی تشکیلات دادگاه های اداری در حقوق عراق اردن و ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشکده حقوق.

- جواد جواد، حمزه کاظم (۱۴۰۲). مشروعیت قرارداد اداری و مبانی حقوقی آن، مطالعه تطبیقی حقوق عراق و ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشکده حقوق.
- جهانگیری، سعید (۱۴۰۲). تبیین نقش ثبات سیاسی در نظریه حکمرانی خوب. منتشر شده در پایگاه مقالات سیویلیکا، قابل دسترسی در: <https://civilica.com/note/2197>
- چو خاچی زاده مقدم، محمد باقر، علی نژاد، مهدی، امینی، داود (۱۳۹۲). ژئوپلیتیک قومی - مذهبی عراق و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی. *جغرافیا*، ۳۷ (۰۱): ۸۸-۱۰۱.
- چمنی شورابی، سمیه (۱۳۹۸). سازوکار حل اختلاف در قراردادهای اداری. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- خندان، عباس (۱۳۹۵). فساد سیاسی و اداری: تاثیرات متقابل و نقش عوامل اجتماعی. *اقتصاد مقداری*، ۱۳ (۰۴): ۱۹-۴۴.
- حسینی احمدوندی، سید پیام (۱۴۰۱). نگاهی حقوقی به حل اختلافات ناشی از قراردادهای اداری. *پژوهش‌های حقوقی قانون یار*، ۵ (۱۸): ۲۱-۴۴.
- خزایی، لایلا و پروین، خیرالله (۱۴۰۱). چگونگی مشروعیت قدرت و تاثیر آن بر رعایت حقوق شهروندی. *فصلنامه مطالعات حقوقی*، ۷ (۱۷): ۱۹-۰۱.
- خواججه‌سروی، غلامرضا (۱۳۸۸). چارچوبی برای تحلیل رقابت و ثبات سیاسی با نگاهی به تجربه جمهوری اسلامی ایران. *دانشگاه امام صادق (ع)*، ۱۸-۱۹: ۱۹-۰۱.
- رحمت الهی، حسین (۱۳۸۲). مشروعیت حکومت از دیدگاه اسلام و ماکس وبر. *حقوق خصوصی*، ۰۱ (۰۵): ۳۶-۰۱.
- زغیرعیدان، بتول، پورخاقان شاهرضایی، زینب، رویعی، محمد سالم کریم، شاهی، محمد شریف (۱۴۰۴). نقش فساد اداری و سیاسی در افزایش جرایم کارکنان دولت در حقوق ایران و عراق. *تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران*، ۴ (۰۲): ۲۷۸-۲۵۰.
- سیمبر، رضا، فاضلی، سامان، رضا پور، دانیال (۱۴۰۰). منابع قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران در عراق پس‌ادعش و تهدیدهای پیش رو. *دانش سیاسی*، ۴ (۰۱): ۳۸۳-۴۰۶.
- ضیول، حیدر (۱۴۰۲). شفافیت و پاسخگویی در تصمیمات اداری، بررسی حقوقی رویه‌های نظارتی. نوین، مطالعه تطبیقی حقوق عراق و ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، دانشکده حقوق.
- عباسی، صدیقه (۱۴۰۲). موانع وجود شفافیت اداری در نظام حقوقی ایران. *مطالعات حقوق آپادانا*، ۰۱ (۰۱): ۲۰-۳۴.

- عبدعبد، ضیاءحمادی (۱۴۰۱). جایگاه حقوقی داور در قراردادهای اداری بررسی تطبیقی حقوق عراق و ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشکده حقوق.
- عبدالمحسن عبدالمحسن، علی شاکر (۱۴۰۲). نقش اصل شفافیت اداری در پیشگیری از فساد اداری مطالعه تحقیقی بین حقوق عراق و ایران. کارشناسی ارشد، دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشکده حقوق.
- عیسی‌بازید، ناجح، نیکخواه‌سرنقی، رضا، جعفرزاده، سیامک (۱۴۰۴). ابعاد اخلاقی فساد اداری و ارزیابی چالش‌های فراروی سیاست جنایی تقنینی ایران و عراق در قبال آن. *اخلاق در علوم و فناوری*، (۲۰): ۷۹-۷۰.
- فاضل‌فاضل، مصعب عبدالکریم (۱۴۰۲). سازماندهی فکری و حقوقی عناصر حکمرانی خوب در کشورهای اسلامی و غیراسلامی از منظر حقوق عمومی مطالعه تطبیقی بین عراق، ایران و انگلستان به عنوان الگو. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشکده حقوق.
- فلاح‌زاده، علی محمد و علیدادزاده، روح‌اله (۱۳۹۸). نظارت قضایی بر آرای مراجع اختصاصی دادرسی اداری در ایران و لبنان. *حقوق تطبیقی*، ۱۰(۰۲): ۶۳۹-۶۴۴.
- فلاحتی، سما، باباپور، محمد، نیکوند، شکرالله (۱۴۰۳). بررسی صلاحیت اتاق بازرگانی ایران و عراق در حل اختلافات غیر تجاری از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی. *آموزه‌های فقه و حقوق جزاء*، ۳(۰۳): ۹۹-۱۳۶.
- فقیه‌حبیبی، علی، محسنی، وجیهه، سرحان، هاشم محمد (۱۴۰۳). بررسی ساختار و حدود صلاحیت اداری استناداران با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و عراق. *پژوهش‌های نوین حقوق اداری*، ۶(۱۹): ۲۹-۰۱.
- قاسم‌الدلام، حازم‌حمید (۱۴۰۰). اختلاف در قراردادهای اداری بین‌المللی و راه حل آنها در حقوق عراق و الجزایر. پایان نامه کارشناسی ارشد، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشکده حقوق.
- گرچی، علی اکبر (۱۳۸۹). عدالت رویه‌ای و تحول‌گرایی در لایحه آیین دادرسی دیوان عدالت اداری. *پژوهش حقوق عمومی*، ۱۲(۲۹): ۳۵۱-۳۸۶.
- گودرزی، محسن، مبینی‌دهکردی، عبدالله، معظمی‌گودرزی، محمد (۱۴۰۱). تبیین پیشران‌های کلیدی آینده روابط ایران و عراق در افق ۱۴۱۰. *آینده پژوهی انقلاب اسلامی*، ۸(۳۰): ۱۱-۴۰.
- مبارکی، مصطفی، عمادزاده، محمدکاظم، مسعود، غلامحسین (۱۳۹۸). شیوه‌های غیرترافی حل اختلاف اداری در نظام‌های حقوقی معاصر. *مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران*، ۴۹(۰۱): ۳۹-۵۶.

- متی، ایوب و هادیان، ناصر (۱۳۹۸). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال عراق از منظر موازنه تهدید (۲۰۱۸-۲۰۰۳). *جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام*، ۷(۱۵): ۱۳۹-۱۶۴.
- محسنی، سیدمحمد، اشرفی، احمد، محمدزاده، علی (۱۴۰۱). بررسی مسئله ثبات سیاسی در کشور عراق طی سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۱ (با ارائه راهکارهای رسانه‌ای). *پژوهشنامه رسانه بین‌الملل*، ۷(۰۱): ۲۶۱-۲۸۳.
- مرادی، جهانبخش و سهرابیان، اعظم (۱۴۰۱). دیپلماسی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید. *مطالعات سیاست بین‌الملل*، ۲(۰۳): ۰۱-۳۶.
- موثقی، سید احمد و کرمزاده، مسلم (۱۳۹۰). بررسی تاثیر ثبات سیاسی بر توسعه. *فصلنامه سیاست*، ۱(۰۳): ۳۲۱-۳۴۰.
- نوازی، بهرام، عبادی، زهرا (۱۳۹۶). بررسی تأثیر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر اهداف و منافع راهبردی آمریکا در عراق نوین. *مطالعات راهبردی سیاست بین‌الملل*، ۱(۰۱): ۱۰۱-۱۱۸.
- وحیدبینش، محمد (۱۴۰۳). مؤلفه‌های ثبات سیاسی در جوامع توسعه نیافته. *مطالعات سیاسی و روابط بین‌الملل*، ۱(۰۲): ۰۱-۲۴.
- احمد، خلف (۲۰۱۶). *القضاء الإداری*. بغداد: مکتبه یادگار.
- البنان، حسن محمد علی (۲۰۱۴). *مبدأ قابلیه قواعد المرافق العامه للتغییر والتطویر*. بیروت: الناشر المركز القومي للإصدارات القانونية.
- الجبوری، محمود خلف (۲۰۱۴). *القضاء الاداری فی العراق وفق احداث التطورات التشريعیة والقضائیه*. بغداد: دار المرتضی.
- الشرنه، سعید (۲۰۰۸). *ظاهرة غسيل الاموال وآليات مكافحتها - دراسة حالة الجزائر*، رسالة ماجستير، كلية العلوم الاقتصادية وعلم التسيير، جامعة الجزائر.
- الطباخ، شريف احمد (۲۰۱۲). *اثر الفساد الحكومي في انتشار الجريمة*، بغداد: دارالفكر الجامعي.
- العززي، عوض خلف، الصالح، بسماة محمد (۲۰۱۸). *اثر القيم والأخلاقيات الوظيفية على أداء الموظف العام في بعض المنظمات العامة في الكويت*. بغداد: مطبعة الرشاد.
- العیساوی، عبدالأمیر کاظم عماش (۲۰۱۲). *السیاسة الجنائیه لجرائم الفساد الاداری و المالي فی القانون العراقي (دراسة مقارنة)*. رسالة ماجستير مقدمة الى كلية القانون. جامعة بابل.
- الفتلاوی، امجدناظم صاحب (۲۰۱۰). *اختصاص هیئة النزاهة فی التحریر و التحقیق فی قضايا الفساد الحكومي*. رسالة ماجستير مقدمة الى كلية القانون، جامعة بابل.

- بطیخ، رمضان و العجارمة، نوفان (۲۰۱۲). *مبادئ القانون الإداری فی المملكة الأردنية الهاشمية*. الكتاب الأول، عمان: دار إثناء للنشر والتوزيع.
- خليفة، عبد العزيز (۲۰۱۶). *أصول اجراءات الاثبات فی الخصومة الادارية*. القاهرة: دار القانون.
- سلمان، تغريد داؤد (۲۰۱۵). *الفساد الإداری والمالی فی العراق وأثره الاقتصادي والاجتماعی*. بحث منشور فی *مجلة الغری للعلوم الاقتصادية والإدارية كلیة الإدارة*، ۱۰ (۳): ۲۳-۳۴.
- صفاء، جبار الديری (۲۰۱۵). *جريمة الكسب غير المشروع فی التشريع العراقي*. رساله ماجستير، جامعة كربلا.
- عبدالرحمن، احمد شوقي محمد (۲۰۱۸). *عقود المعاوضه وعقود التبرع*. القاهرة: دار النهضة العربية.
- عبدالطيف، سامر مؤيد (۲۰۱۴). *نحو استراتيجية فاعلة لمكافحة الفساد الإداری فی العراق*. *مجلة رساله الحقوق*، ۱: ۱۱۶-۱۳۰.
- عوده، لحيف هيثم (۲۰۱۶). *الفساد وآليات الوقاية منه فی إطار الاتفاقيات الدولية والقانون العراقي و المقارن*. أطروحة دكتوراه، جامعة الموصل.
- غيدان، إسماعيل صعصاع (۲۰۱۲). *الإدارة اللامركزية الإقليمية فی القانون العراقي*. بحث منشور فی *مجلة القادسية للقانون والعلوم السياسية*، ۴ (۵): ۲۱-۲۳. ۱۱.
- ليلو، مازن راضي (۲۰۱۵). *القضاء الإداری، دراسة لأسس ومبادئ القضاء الإداری فی العراق*. بغداد: المؤسسة الحديثة للكتاب.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی